فهرست

[پیشگفتار 2](#_Toc91482993)

[بحث تزاحم 2](#_Toc91482994)

[تزاحم حریم شخصی با وظایف پدر و مادر 2](#_Toc91482995)

[بررسی حریم شخصی از روایات 3](#_Toc91482996)

[روایت اول 3](#_Toc91482997)

[روایت دوم 5](#_Toc91482998)

[دلیل وظیفه مندی خانواده 6](#_Toc91482999)

[توضیح مطلب 6](#_Toc91483000)

[اقامه امور راهبردی 8](#_Toc91483001)

[حفظ نظام 8](#_Toc91483002)

[احتمال ضرر متنابه 8](#_Toc91483003)

[خلاصه مطلب 9](#_Toc91483004)

[فرق صیانت بین زوج و زوجه 9](#_Toc91483005)

[جمع‌بندی 10](#_Toc91483006)

[پاسخ به سؤالات 10](#_Toc91483007)

**بسم الله الرحمن الرحیم**

# پیشگفتار

**الحمد لله رب العالمین و صلی الله علی سیدنا محمد و آله الطاهرین**

**اللهم صل علی محمد و آل محمد و عجل فرجهم**

بحث ما درباره حریم شخصی بود تعریف را گفتیم وارد بحث تزاحم می شویم

# بحث تزاحم

با توجه به اینکه درباره فقه تربیت صحبت می‌کنیم و توجه به خانواده هست ابتدا ناظر به خانواده صحبت کنیم البته عنوان وظایف حاکمیت بود اما احتمال زیاد سؤال شما در مرحله اول ناظر به خانواده هست

# تزاحم حریم شخصی با وظایف پدر و مادر

در عنوان وظایف حاکمیت مسئله مشخص‌تر است، چند عنوان داریم که انجاها در تزاحم حریم شخصی با بود حاکمیت، حاکمیت را مقدم می‌دارد مثلاً مسائل مهم مثل نفوس، فروج و دماء و بحث‌های ویژ که‌ای که در وزارت اطلاعات بحث می‌شود آنجا که قانون باشد و امثالهم یک بخش هم خانواده هست

در بحث خانواده سؤال این است که آیا در انجام وظایف تربیتی خانواده ورود به حریم شخصی جایز است یا جایز نیست

ادله‌عدم تجسس و بحث‌عدم ورود به حریم افراد را که از جمله فرزندان باشد را گفتیم از جمله ﴿**وَ لا تَجَسَّسُوا**[[1]](#footnote-1)﴾ ﴿**لَا تَتَبَّعُوا عَوْرَاتِ الْمُؤْمِنِين**[[2]](#footnote-2)‏﴾ یا ﴿**الْمُسْلِمِين**﴾ اطلاق دارد و شامل فرزند هم می‌شود

ادله اطلاق دارد و بچه‌ها و همسر و زوجه را در بر می‌گیرد.

اما آیا به رغم اینکه حرمت دارد جایز است وارد شدن یا نه؟ حکم اولی همان حکم اولی‌عدم جواز است

بر پایه اینجا یک عده‌ای بگویند وقتی حریم شخصی ورود به آن حرام است شما تربیت را از راه حرام می‌خواهید انجام بدهید. معنی ندارد این یک نگاه است

یک نگاه هم این است بگوییم جایز است، حال چگونگی جواز فرق می‌کند شاید یک احتمال این است که به صورت کلی جایز است مثلاً اینکه گفته است ﴿**قُوا أَنْفُسَكُمْ وَ أَهْليكُمْ ناراً**[[3]](#footnote-3)﴾ ادله وظیفه مندی خانواده مطلق است شامل هر روشی می‌شود حتی ورود به حریم شخصی، این هم یک نگاه است.

آن نگاه به صورت مطلق می‌گفت جایز نیست و این نگاه به صورت مطلق می‌گوید جایز است

فرض سوم فرض میانه است که این جور وقت‌ها واقعا کلی نمی‌شود راجع به آن نظر داد.

در مورد اینکه نظر اصلی و تفصیل چیست یک مسئله‌ای پیش می‌آید و آن این که برخی روایات داریم که می‌تواند دلالت داشته باشد می‌توان در بحث خانواده وارد حریم شخصی شد.

# بررسی حریم شخصی از روایات

## روایت اول

روایت زراره ﴿**أَحْمَدُ بْنُ مُحَمَّدٍ عَنِ ابْنِ فَضَّالٍ عَنِ ابْنِ بُکَیْرٍ عَنْ زُرَارَةَ عَنْ أَبِی جَعْفَرٍ علیه السلام قَالَ: دَخَلَ رَجُلٌ عَلَی عَلِیِّ بْنِ الْحُسَیْنِ علیه السلام فَقَالَ إِنَّ امْرَأَتَکَ الشَّیْبَانِیَّةَ خَارِجِیَّةٌ تَشْتِمُ عَلِیّاً علیه السلام فَإِنْ سَرَّکَ أَنْ أُسْمِعَکَ مِنْهَا ذَاکَ أَسْمَعْتُکَ قَالَ نَعَمْ قَالَ فَإِذَا کَانَ غَداً حِینَ تُرِیدُ أَنْ تَخْرُجَ کَمَا کُنْتَ تَخْرُجُ فَعُدْ فَاکْمُنْ فِی جَانِبِ الدَّارِ قَالَ فَلَمَّا کَانَ مِنَ الْغَدِ کَمَنَ فِی جَانِبِ الدَّارِ فَجَاءَ الرَّجُلُ فَکَلَّمَهَا فَتَبَیَّنَ مِنْهَا ذَلِکَ فَخَلَّی سَبِیلَهَا وَ کَانَتْ تُعْجِبُهُ**[[4]](#footnote-4)﴾

این روایت را هم عرض کنم

حضرت ابی جعفر علیه السلام نقل می‌کند پدرم علی بن الحسین فردی خدمت او وارد شد و عرضه داشت شما ﴿**إِنَّ امْرَأَتَکَ الشَّیْبَانِیَّةَ خَارِجِیَّةٌ**﴾ خانم شما خارجی است از خوارج است یک حالت ناصبی‌گری در او وجود دارد به حضرت می‌گوید که خانم شما کسی است که ﴿ **تَشْتِمُ عَلِیّاً علیه السلام** ﴾ امیرالمؤمنین را شماتت می‌کند و با تفکرات خوارجی، خوارج اینجوری بودند نسبت به معاویه و امیرالمؤمنین می‌گفتند اینها هر دو اشتباه کردند آیا دوست داری که این برای تو روشن بشود ﴿ **قَالَ نَعَمْ** ﴾ حضرت گفتند بله بعد آن فرد به حضرت می‌گوید شما از خانه خارج بشوید و من با آن خانم صحبت می‌کنم ﴿ **کَانَ غَداً حِینَ تُرِیدُ أَنْ تَخْرُجَ کَمَا کُنْتَ تَخْرُجُ فَعُدْ** ﴾ شما از خانه خارج شوید و بعد شما برگرد تا من با آن خانم صحبت کنم و حضرت هم این کار را انجام می‌دهد آن دو نفر صحبت کردند و خانم هم گمان می‌کرد همسرش امام سجاد علیه السلام نیست از آن گفتگو مشخص شد که حرف آن شخص درست بوده است. بعد از اینکه این انجام شده حضرت هم آن خانم را بعداً طلاق داد و ﴿ **کَانَتْ تُعْجِبُهُ** ﴾ حالا آن خانم را دوست داشت یا از این کار متعجب شد یا این که در حالی که خانم را دوست داشت طلاق داد.

این روایت راوی ثقه است عبدالله بن بکیر با اینکه فطحی است اما موثق است فطحی‌ها انحراف دارند ولی بعضی از فطحی‌ها در روایت موثق هستند به خصوص روایاتی که ربطی به آن اعتقاد اشتباه آن‌ها نداشته باشد

نکته این است که آیا این روایت می‌تواند دلیل باشد که تجسس کنیم چون حضرت نوعی تجسس کرد و استراق سمع کردند و عنوان تجسس همه اینها را در بر می‌گیرد وقتی می‌گوید ﴿**وَ لا تَجَسَّسُوا**﴾

آیا صحبت کردن آن دو فرد حریم شخصی است؟

روایت سنگین است اینجا چند سؤال پیش می‌آید.

سؤال اصلی این است که اگر این روایت را بپذیریم ادعا کننده می‌گوید که در این روایت حضرت تجسس کرده است و استراق سمع کرده است البته این مطلب پیش می‌آید صحبت کردن آن دو نفر حریم شخصی آن خانم و آن آقا بوده است و حضرت وارد شدند چون بین حریم شخصی و ادله ﴿**وَ لا تَجَسَّسُوا**﴾ عموم و خصوص وجود دارد واقعیت این است که اینجور نیست مطابق باشد بعضی از چیزی‌های که تجسس هست یا نیست شاید یک وقت‌هایی حریم شخصی باشد و یا نباشد بر حریم شخصی حتما دلالت دارد ولی بر اعم از آن هم شاید دلالت داشته باشد

از جمله این روایت شاید اینجا کسی إن قلت کند بحث شما راجع به حریم شخصی است و این جا حریم شخصی را وارد نشده است چون آن خانم در خانه نبوده است اگر هم خانه باشد خانه حضرت است و حضرت صحبت اینها را گوش کرده است و عنوان استقراق سمع است در عین حالی که ممکن است کسی در جواب بگوید آن‌ها شامل این دو نفر که با هم صحبت می‌کنند و می‌خواهند کس دیگری متوجه نشود این حریم شخصی است و حریم فقط داخل خانه نیست و بعد جسمانی ندارد

شما هر نظری را که دوست دارید قبول کنید.

اما بالاخره استراق سمع هست پس این که ادعا کند ما در بحث خانواده می‌توانیم وارد بشویم و این دلیل تعارض می‌کند با ادله‌ای که می‌گوید تجسس نکنید.

بهتر است بگوییم تخصیص می‌زند مواردی که عموم ﴿**وَ لا تَجَسَّسُوا**﴾ اگر در مورد همسر باشد اشکال ندارد.

چند سؤال اینجا پیش می‌آید قبل از اینکه بگوییم ادعا قبول است یا نه

سؤال این است که آیا حضرت نمی‌دانند که اینجور هست یا نه، در مورد جعده هم می‌شود این جواب را داد که علم غیب داشته باشد ولی حضرت چنانچه پیامبر می‌فرماید ﴿**إِنَّمَا أَقْضِي بَيْنَكُمْ بِالْبَيِّنَاتِ وَ الْأَيْمَان**[[5]](#footnote-5)﴾ اینجا اهل بیت سیره‌شان این بوده است که بر اساس دلیل با افراد برخورد کنند.

این اشکال وارد نیست. اما اینکه خوارج در خانه معصومین علیهم السلام نفوذ کرده باشند بله با توجه به اینکه اهل بیت علیهم السلام از طرفی بر اساس ظواهر عمل می‌کردند نفوذ در خانه پیامبر بود در خانه امام جواد و امام حسن علیهم السلام بود ائمه علیهم السلام خودشان می‌دانستند به علم امامت، اما بر حسب ظاهر افراد تا آن لحظه که بروز ندهند برخوردی ندارند و این دلیل دارد که در جای خود باید بحث بشود.

این اشکالی ندارد که بگوییم نفوذ کرده باشند.

مطلب اشکال ما به این روایت این است که احتمال بدهد کسی بگوید این در مورد حریم شخصی نیست

ما در برداشت‌ها می‌خواهم فوت کوزه‌گری بدهم نمی‌خواهم محتوا بدهم در تحقیقات فقهی و در مسائل جدید باید با احتیاط با روایت برخورد کنید شما می‌خواهید یک حکم کلی بگویید هر خانواده‌ای در هر مسئله‌ای ورود بکند و استراق سمع کند این از این روایت برداشت نمی‌شود چون احتمال دارد یکی بگوید اینجا موضوعیت داشته است بحث امامت و نفوذ که گفتند این موضوعیت داشته است در مورد‌های بسیار مهمی که امامت و شاید این فرد بعدا موجب ترور حضرت بشود چنانچه در مورد امام حسن مجتبی علیه السلام بحث می‌شود. در مورد امام جواد علیه السلام اختلاف نظر هست مسجل نیست که ترور از طرف خانم او بوده است اما در مورد امام حسن ممجتبی علیه السلام مسجل است.

این احتمال بوده است اگر این احتمال باشد اذا جاء الاحتمال بطل الاستدلال.

ما می‌خواستیم اطلاق از روایت برداشت کنیم می‌خواستیم این را برداشت کنیم که نسبت به هر فرزند و هر همسری و در هر مسئله‌ای ما بتوانیم تجسس کنیم این را نمی‌رساند احتمال دارد این جا موضوعیت داشته باشد لذا از این روایت به طور مطلق نمی‌توانیم استفاده کنیم احتمال اینکه در امر ولایت است امر حفظ جان امام است یا آن بحث مهم بودن جایگاه امامت است این به عنوان همسر امام اگر ادامه می‌داد ممکن بود یک کسی بگوید همسر امام امیرالمؤمنین را نقد کرده است حداقل شاید جامعه آن روز دچار شبهه می‌شدند.

برای این احتمالات مانع می‌شود که یک حکم کلی برداشت کنیم

## روایت دوم

روایت حسین بن موسی بن جعفر علیه السلام هست که احمد بن محمد عن حسین می‌گوید من با امام صادق علیه السلام در پشت بام بودم دیدم پدرم به یکباره از جا بلند شدند و رفتند از پشت بام قسمتی و من پشت سر ایشان رفتم بعد داستان از این قرار است که دیدند دو کنیز و دو غلام از پشت دیوار با هم صحبت می‌کنند و صحبتی هم که نباید می‌داشتند حضرت خواستند بر گردد متوجه من شدند گفتند چه دیدی؟ گفتم آنچه را که رفتید دیدم بعد فردا حضرت آن دو کنیز را به جای دیگر فرستادند.

نکته این است که حضرت به نوعی استراق سمع کردند

این را هم شاید کسی دلیل بگیرد بر اینکه اینجا یا تعارض می‌کند یا تخصیص می‌زند و بر ادله استراق سمع چون در مورد کنیز بوده است و در خانه بوده است در مورد خانواده تجسس اشکال ندارد

با اینجا اشکال گرفته می‌شود که اینجا اطلاق نمی‌توان گرفت شاید آن‌ها موضوعیت داشته باشد شاید این که کنیز بوده است موضوعیت داشته باشد

پس این ادله‌ای نیست که بتوان از اینها اطلاق گرفت و بگوییم در خانه کلا می‌شود تجسس کرد این دلیل نمی‌شود

اما دلیل دوم شاید کسی بگوید اطلاق آیه وقایه است ﴿**يا أَيُّهَا الَّذينَ آمَنُوا قُوا أَنْفُسَكُمْ وَ أَهْليكُمْ ناراً**﴾ دلیل دوم این است که خانواده پدر و مادر نسبت به فرزندان و همسر نسبت به همسر به ویژه زوج نسبت به زوجه وظیفه‌مند است این دلیل اول بعد بگوییم این وظیفه مندی اطلاق دارد و حتی با ابزارهای تجسس با ورود به حریم شخصی باید آن‌ها را از آتش جهنم، از عذاب و از گناه باز بدارید.

# دلیل وظیفه­مندی خانواده

اصلی‌ترین دلیل وظیفه‌مند خانواده هم آیه وقایه است می‌گوییم آیه وقایه اطلاق دارد و شامل این امور هم می‌شود. این ادعا است

## توضیح مطلب

اولا صیانت ﴿**قُوا أَنْفُسَكُمْ وَ أَهْليكُمْ ناراً**﴾ این صیانت از گناه و آتش جهنم چند حالت فرض می‌شود

۱- صیانتی که با حریم شخصی ارتباطی ندارد مثل صیانت از فضای عمومی خانه اینکه چه تابلویی در خانه باشد مبلمان خانه چه جور باشد که بچه‌ها گناه نکنند مثلاً عکس ناجور در خانه نباشد ماهواره نباشد این‌ها بعد‌های فیزیکی خانه است وبه حریم شخصی ربطی ندارد.

بخشی از مباحث صیانتی با حریم شخصی در ارتباط است و اینها دو دسته می‌شوند بخشی منحصرا راهی نیست برای صیانت مگر اینکه از حریم شخصی استفاده بشود مثلاً اینکه ما بدانیم بچه ما در فضای مجازی در گوشی کجا می‌رود طبیعتاً در جاهایی مجبوریم نگاه کنیم می‌گویم اگر به خودش بگویم نشان بده یک چیز دیگر نشان می‌دهد اگر خودم نگاه کنم می‌توانم کامل متوجه بشوم

بعضی وقت‌ها صیانت‌ها ارتباطی با حریم شخصی ندارد و بعضی موارد با حریم شخصی در ارتباط است

مواردی که با حریم شخصی ارتباط دارد دو دسته است.

یک جاهایی می‌شود با غیر ورود به حریم شخصی صیانت را انجام داد از آن طریق انجام بدهیم.

اما یک جاهایی است که اگر بخواهیم صیانت را انجام بدهیم لا محالٍ مجبوریم به حریم شخصی مراجعه کنیم مثلاً العیاذ بالله این مسئله مطرح شده است به احتمال قوی نه در حد شک، که مثلاً یک نفر متوجه بشود که در خانواده یک نفر دچار ارتباط با نامحرم است حالا هر فردی که باشد این ارتباط با نامحرم در حدی است که زیاد است و شک نیست مخصوصاً برای زوج، زوج نسبت به همسر وظیفه تربیتی دارد و نسبت به فرزند وظیفه تربیتی دارد زوجه نسبت به زوج وظیفه تربیتی ندارد

در حد اینکه مؤمنین نسبت به هم امر به معروف و نهی از منکر کنند وظیفه دارند وظیفه‌مند هست اما چون ولایت ندارد آن وظیفه مندی خاص را ندارد که خاص‌تر است و باید جواب بدهد زوج نسبت به هدایت یا ضلالت زوجه باید جواب بدهد ولی زوجه این جواب را لازم نیست بدهد

در حد امر به معروف و نهی از منکر عمومی وظیفه‌مند است.

بر اساس این تقسیم سه‌گانه در صیانت آیا مرد می‌تواند ورود به حریم شخصی بکند یا خیر؟ در تربیت نه، صیانت یعنی بازداری از گناه.

[استاد در این لحظه از دانش پژوهان نظر سنجی کردند]

یک شبهه این است که شما می‌خواهید افراد را از آتش جهنم به دور کنید از راه حرام، چون تجسس حرام بود و آیا از راه حرام می‌شود؟ تجسس عنوان حرمت داشت، ﴿**وَ لا تَجَسَّسُوا**﴾

ما در موردی صحبت میکنیم که منحصر در تجسس است در موردی که از راه دیگر می‌شود صیانت کرد یقیناً تجسس اشکال دارد

حریم شخصی عنوانی برداشت شده و اصطیاد شده از عناوین مثل ﴿**وَ لا تَجَسَّسُوا**﴾ بوده است.

بعضی از فق‌ها ادله وقایه را در این صورت سوم مقدم می‌دارند مثلاً آقای تبریزی می‌فرماید: «لا یجوز تجسس علی الزوجه الا اذاکان یرید صلاح‌ها أوکان لأمر یمسه أمر یرض بها من باب ﴿**قُوا أَنْفُسَكُمْ وَ أَهْليكُمْ ناراً**﴾ و الله عالم» از باب وقایه این در استفتائی بوده اکه از ایشان شده است.

بعضی از رفقا برداشتشان این بوده است که ادله وقایه اطلاق دارد

در صورت سوم جایی که صیانت متوقف بر ورود بر حریم شخصی است و اگر متوقف نباشد و از راه دیگر بشود صیانت کرد آنجا بحث نیست آنجا یقیناً نباید حریم شخصی را وارد شد.

این شبهه چه می‌شود که صیانت از هر راهی حتی حرام؟ اینجا می‌گوییم تزاحم به وجود می‌آید تزاحم این است که شما بین دو نمی‌توانید جمع کنید در تزاحم اینجا اولویت‌سنجی باید کرد.

خیلی جاها اولویت این بالاتر است به ویژه یک جاهایی هست که عناوینی پیش می‌اید که آن عناوین سبب تقدم پیدا کردن ورود به…

در تزاحم دو کفه ترازو داریم رعایت حریم شخصی و صیانت بعضی جاها باعث می‌شود این صفحه صیانت تقویت پیدا بکند مثلاً بعضی از عناوین را فق‌ها گفته‌اند که این عناوین باعث می‌شود که آنجا تقدم پیدا بکند اقدام صیانتی یا اقدام امر به معروف و نهی از منکر و امثال این، اقدام اصلاحی که یا صیانت است یا امر به معروف است و نهی از منکر است و امثال این است

این طرف هم حریم شخصی است این کفه ترازو را سنگین‌تر می‌کند در اولویت آن سمت کمک می‌کند چه عناوینی هستند.

عناوین چیست؟

۱- هم این خانواده را جواب می‌دهد هم آن ورود حاکمیت را. پس چند عنوان داریم که این عنوان‌ها کفه ترازوی صیانت امر به معروف و نهی از منکر انجام وظیفه تربیتی را نسبت به کفه حریم شخصی تقویت می‌کند

# اقامه امور راهبردی

حضرت امام دارند که «فلو توقفت إقامة حجج الاسلام بما یرفع بها الضلالة علی بذل النفس أو النفوس فالظاهر وجوبه فضلا عن الوقوع فی ضرر أو حرج دونها» یکی از عناوین که آنجا نمی‌خواهم وارد مثالی که ایشان زدند وارد بشوم

امور راهبردی و مهم دین

یک جایی امور مهم دین از بین می‌رود آنجا حاکمیت باید وارد بشود یا عناوینی که مولا رضایت به انجام آن ندارد و برای آن ازمعمول بالاتر است مثل دماء و نفوس و. . احتمال می‌دهید بچه شما در خطر بیفتد این ارتباطی که داشته باشد شاید خطر جانی حتی داشته باشد اینجا با این احتمال شما می‌توانید وارد بشوید چون کفه ترازو را تقویت می‌کند

## حفظ نظام

حفظ نظام باعث می‌شود که شما وارد بشوید البته استفاده از این عناوین باید خیلی با احتیاط باشد چون اصل این است که تجسس در حریم شخصی حرام است.

یا مجوز قانونی، مجوز قانونی می‌تواند دلیل باشد در جمهوری اسلامی بر پایه اینکه ما قوانین را بول داریم. مثلاً از حضرت آقا سؤال شده است هل یجوز التجسس علی المؤمنین؟ حضرت آقا آنجا فرموده‌اند لا مانع من مبادرة خصوص موظفی الفحص والتفتیش الرسمیین إلی البحث والتحقیق القانونی آنجا که تفتیش قانونی مثلاً قاضی می‌خواهد وارد بشود اشکال ندارد.

اینها عناوینی بود که در انجام وظایف حاکمیت باعث می‌شد که مقدم بشود بر حریم شخصی و وارد شد

اما در خانواده بیشتر این ﴿**قُوا أَنْفُسَكُمْ وَ أَهْليكُمْ ناراً**﴾ است این نکته را باید در نظر بگیریم که اصل اولی حرمت است در تزاحم هم حرمت برداشته نمی‌شود حرمت سر جایش هست تعارض نکرده است در تزاحم ادله متعارض روایات را قبول نکردیم اینجا در مقام تزاحم است در مقام تزاحم حرمت به جای خودش باقی می‌ماند اما از بین اولویت شما می‌گویید این مقدم است

مثل این می‌ماند که در حالت معمولی لمس یک خانم نامحرم و جنس مخالف حرام است اما الان در دریا افتاده است و جان او در خطر است غریق نجات می‌رود و او را نجات می‌دهد این جا اهمیت باعث می‌شود که مقدم بشود

اما اگر آنجا یک غریق نجات خانم هم باشد نمی‌شود گفت حالا خانم در خطر است آقا برای نجات برود آن حرمت سر جایش هست و تا جایی که راه دارد باید آن حرمت لحاظ بشود و خانم برود.

پس با توجه به اینکه آن اهمیت وجود دارد باید با احتیاط حرکت کنیم اگر در صورت سوم صیانت به حدی برسد که یقینی باشد و اگر احتمال ضرر بدهید آنجا عنوان دیگری می‌شود که جنبه تجسس را تقویت کند احتمال ضرر متنابهی برای متربی باشد

## احتمال ضرر متنابه

احتمال ضرر متنابه برای همسر یا فرزند باشد، احتمالات نیست

در مورد فرزند احتمال ضرر بیشتر است چون بچه‌ها پختگی ندارند و در مسائلی که مجبور است تجسس کند مثلاً گوشی را باید تجسس کرد. چه کار باید بکنیم که متوجه بشویم بچه‌ها در گوشی چه کار می‌کنند راهی جز تجسس نداریم.

با این وضعیت فضای مجازی احتمال ضرر آن فرد خیلی بالا می‌رود در اینجا شما احتمال ضرر بالا می‌رود از بابد جلوگیری از دفع ضرر محتمل باعث می‌شود وارد بشوید و اینجا دفع ضرر محتمل کنید.

# خلاصه مطلب

اجمال قضیه این شد که سه صورت داریم صیانت اصلا ارتباطی به حریم شخصی ندارد نیازی به ورود نیست

هم عرض ورود به حریم شخصی راه‌هایی برای صیانت هست از آن استفاده می‌شود

جاهایی که راهی جز ورود به حریم شخصی نیست اگر صیانت از امری باشد که مسجل شده است شکی نیست که یک حرامی می‌خواهد انجام بشود و احتمال حرام بالاست آنجا از باب صیانتی که می‌دانیم احتمال آن ضرر و گناه زیاد هست می‌شود وارد شد نسبت به زوجه و نسبت به فرزند به ویژه

آیا این در مورد زوجه هم هست، آیا خانم هم می‌تواند تفتیش کند؟

نکته شرعی این است که زن نسبت به مرد وظیفه صیانتی ویژه ندارد به همان اندازه امر به معروف و نهی از منکر عموم مردم است اما نسبت به فرزند وظیفه دارد

حالا اگر یک نفر بخواهد بفهمد دوست او با خانم نامحرمی ارتباط دارد یا ندارد، آیا مجوز دارد به گوشی او وارد بشود من با خانم او از این جهت هیچ فرقی ندارم. چون زن نسبت به مرد وظیفه‌ی صیانتی ویژه ندارد.

# فرق صیانت بین زوج و زوجه

و آن ادله صیانتی که هست ﴿**قُوا أَنْفُسَكُمْ وَ أَهْليكُمْ ناراً**﴾ نسبت به زوجه به زوج نیست بر پایه اینکه زوجه نسبت به زوج ولایتی ندارد وظیفه تربیتی خاص ندارد در حد عمومی که ﴿ **كُلُّكُمْ رَاعٍ وَ كُلُّكُمْ مَسْئُول**[[6]](#footnote-6)﴾ همه نسبت به همدیگر و ایاتی که استحباب امر به معروف و نهی از منکر را ثابت می‌کند نسبت به زوجه هم هست اما وظیفه مندی ویژه یعنی بگوییم زوجه بودن وظیفه مندی ایجاد می‌کند نیست مگر اینکه بگوییم زوجه تأثیرگذاری بیشتری در امر به معروف زوج دارد

این مجوز به حریم شخصی برای زن ایجاد نمی‌کند مگر یک خوف هلاکت ویژه‌ای که یقین داریم برای مرد به وجود می‌اید و آن را هم یقین داریم و آن را مطمئن هستیم مثلاً یقین داریم یک آقایی با یک خانمی در ارتباط هست احتمال دارد عقد موقتی بینشان باشد اگر این عقد موقت باشد این احتمال پیش بیاید باعث می‌شود که یقین به حرمت نداشته باشیم اما اگر در مورد یک خانم همسر دار آنجا دیگر یقین به حرمت پیش می‌آید چون دیگر نمی‌تواند فرد دیگر را عقد کرده باشد.

این فرق بین صیانت در زوج و زوجه هست.

حتی نسبت به مرد اینجور نیست که هر چه را خواست تفتیش کند

# جمع‌بندی

عنوان بحث وظیفه مندی حاکمیت بود به این جا رسید که تجسس با عنوان اولی حرام است آن جاهایی که فرد مسئله را مخفی کرده است یای اینکه برای ورود به آن نیاز به تجسس هست آنجا حاکمیت نمی‌تواند ورود کند مگر آن عناوین که عناوین مهم هستند که با اجازه خاص قاضی و امثالهم می‌تواند ورود کند ولی در حالت معمولی اجازه تفتیش و ورود ندارد و تشخیص اینکه چه موقعی در کشور ما آن عنوان پیش می‌آید قاضی می‌توند به نیروی انتظامی و امثالهم اجازه بدهد تا در مورد آن فرد تفتیش انجام بشود

در مورد خانواده هم گفتیم سه حالت دارد که فقط حالت سوم که صیانت متوقف بر ورود به حریم شخصی است در جایی که احتمال ﴿**قُوا أَنْفُسَكُمْ وَ أَهْليكُمْ ناراً**﴾ احتمال ورود به آن گناه زیاد است و در حد شک نیست می‌توان وارد شد مگر در مورد فرزندان و در مورد مصادیقی که دیگر قطعا مجبوریم به حریم شخصی وارد بشویم مثل گوشی که بر پایه ﴿**قُوا أَنْفُسَكُمْ وَ أَهْليكُمْ ناراً**﴾ خداوند امر می‌کند که ﴿**قُوا أَنْفُسَكُمْ وَ أَهْليكُمْ ناراً**﴾ اینجا متوقف بر این است که به حریم بچه‌ها وارد بشویم اشکال ندارد و حتی بچه‌ها بدانند که ما بعضی وقت‌ها وارد می‌شویم به بچه‌ها می‌گوییم گوشی مشترک است یا قفل نباید داشته باشد

# پاسخ به سؤالات

اگر در صورتی که وقایه متوقف بر تجسس باشد آن احتمال گناه ﴿**قُوا أَنْفُسَكُمْ وَ أَهْليكُمْ ناراً**﴾ از نار باز بدارید احتمال مبتلا شدن به نار باشد باید تجسس کرد.

بحثی که شنود در بحث حاکمیت آن عناوین باید پیش بیاید مثلاً عناوین حفظ نظام اسلامی مثلاً شما به عنوان ضابط قضایی می‌گوید من به این نتیجه رسیدم که ایشان جاسوس است چون حفظ نظام واجب است در حدی که بشود این احتمال را بررسی کرد چون محتمل بالاست مخصوصاً اینکه در مسئولین باشد و محتمل بالاست مثل آن داستان امام سجاد علیه السلام که رفتند و گوش دادند و استراق سمع کردن چون خوارج بودن بحث مهمی است

تجسس مرد نسبت به فرزند دست باز‌تر است اما در مورد همسر اگر مطمئن باشد به اینکه همسرش مبتلا به حرامی می‌شود وظیفه دارد اما زن وظیفه ندارد این تجسس عنوان حرمت پیدا می‌کند

یک وقت به خانواده می‌گوییم گوشی را در اختیار همسر قرار بدهید و استفاده مشترک باشد این تجسس نیست ولی آن چیزی را که رمزگذاری کرده است آن تجسس است تجسس یک امر نسبی است.

1. - سوره حجرات، آیه 12 [↑](#footnote-ref-1)
2. - امالی شیخ مفید، ص 141 [↑](#footnote-ref-2)
3. - سوره تحریم، آیه 6 [↑](#footnote-ref-3)
4. - الکافی، ج 5، ص 351 [↑](#footnote-ref-4)
5. - الکافی، ج 7، ص 414 [↑](#footnote-ref-5)
6. - ارشاد القلوب، ج 1، ص 184 [↑](#footnote-ref-6)